



## فعالیت‌های انجمن ادبی، فرهنگی و هنری لیسه سلطان علاوالدین غوری در سال 1389

- 1- برگزاری یک محفل باشکوه به تاریخ 2 / 1 / 1389 به خاطر تجلیل از روز معارف و همین طور تصمیم گیری جهت برگزاری جلسات پانزده روزه روی مسایل فرهنگی و هنری و غیره.
- 2- راه اندازی جلسه مقاله خوانی، شعر خوانی، سوالات معلوماتی و پارچه های تمثیلی به تاریخ 89 / 1 / 26
- 3- به تاریخ 8 / 2 / 89 برگزاری محفل سخنرانی و فرهنگی و هنری به مناسبت هشتم ثور، روز پیروزی جهاد مردم افغانستان.
- 4- برگزاری جلسه مشاعر و مسابقه ذهنی به تاریخ 23 / 2 / 1389
- 5- برگزاری محفل باشکوه به مناسبت سوم جوزا، روز معلم و سخنرانی و نمایش و مسابقه ذهنی و توزیع جوایز به برندگان.
- 6- برگزاری محفل مقاله خوانی و سوال جواب در مورد نقش جوانان در جامعه اسلامی و بررسی علل عقب ماندگی مسلمانان امروزی به تاریخ 10 / 4 / 89
- 7- برگزاری محفل باشکوه و خوانش مقاله و سخنرانی های مؤثر به مناسبت 28 اسد سالروز استقلال کشور.
- 8- برگزاری محفل فرهنگی به مناسبت ماه مبارک رمضان و سخنرانی و مقاله خوانی پیرامون این ماه پرکت و بامیمنت و تقدیر از شش تن از بهترین مقاله نویسان به تاریخ 25 / 6 / 1389.

## امتحان کانکور در غور برگزار شد

به تاریخ 5 و 6 / 8 / سال روان امتحان کانکور در ولایت غور برگزار شد. در این آزمون سرتاسری 1200 تن از دانش آموزان ذکور و اناث مرکز و ولسوالی های ولایت که از 54 باب لیسه (دبیرستان) فارغ التحصیل گردیده بودند، اشتراک داشتند. این امتحان توسط هیأت اعزامی وزارت تحصیلات عالی به همکاری ریاست معارف و استادان دارالمعلمین و لیسه ها در صنوف ساختمان لیسه عالی سلطان علاوالدین غوری در فضای شفاف و مناسب برگزار گردید استاد گلحضرت صمیم سرپرست ریاست معارف، حین گشایش صندوق های سوالات از دانش آموزان خواست که باتعهد و تلاش درسهای خود را ادامه بدهند و بعد از فراغت از دانشگاه ها بیایند و وطن محروم خویش را آباد سازند.



این درحالی است که هشت سال پیش تعداد اشتراک کنندگان غوری در امتحان کانکور از تعداد انگشتان هردو دست هم کمتر بود و حالا این افزایش برای مردم غور واقعاً مایه امید واری و خوشحالی می باشد.

## از شما می پرسیم مردم غور!

### مهدی مجاهد

آیا دوست دارید دوباره به عصر حجر برگردید؟ آیا می خواهید دوباره، بی طهارت به سرتان نماز بخوانند؟ آیا خوش دارید کسی در باره مسلمانان شما شک کند و یا علیه شما اعلان جهاد نماید؟ آیا دوست دارید شانه های شما دوباره با کیبل ملاقطب الدین آشنا شود؟ آیا دوست دارید از صبح تا شام به کار بیگاری گرفته شوید و از موتر هیزم پایین کنید؟ آیا دوست دارید 24 ساعت کسی به شخصیت شما توهین و تحقیر نماید؟ آیا خوش دارید برای خریدن یک لیتر تیل و یک جوره بطری قلمی از ملاقطب الدین با آنهمه تلنگ و تسمه، پُرزه بگیریید؟ آیا خوش دارید کسی بزرگان شما را هر روز خوار و ذلیل نماید؟ آیا دوست دارید در وازه های 702 باب مکتب تان دوباره به روی اطفال معصوم تان بسته شود؟ آیا خوش دارید دختران و پسران تان از درس و تعلیم باز بمانند و در آینده بیکار و معتاد بار بیایند؟ آیا خوش دارید دوباره در عروسی ها و خوشی های تان شادی و خوشحالی نتوانید و برای گوش گرفتن به یک آهنگ شمس الدین مسرور 24 تن پهره دار ایستاد نمایید؟ آیا دوست دارید شورای ولایتی تان بسته شود؟ آیا دوست دارید از کار کردن در موسسات داخلی و جهانی محروم شوید؟ آیا دوست دارید دولت تان از بین برود؟ آیا دوست دارید هر روز چشم تان خدای نخواست به جنازه وطنداران تان بیفتد؟ آیا دوست دارید که در وطن تان نه عالم داشته باشید، نه طبیب، نه انجنیر، نه اقتصاد دان، نه مدیر و نه هم ژورنالیست و معلم؟ آیا دوست دارید که سرک های تان دوباره از بین برود؟ آیا دوست دارید تعمیر های دولتی تان که به هزار خون جگر اعمار شده ویران شود؟ آیا دوست دارید کمک های فراوان جامعه جهانی به مردم شما متوقف شود؟ آیا خوش دارید که کشورتان را دوباره وحشت و ظلم و بر بریت فرا بگیرد و خانه شما صحنه تاخت و تاز پاکستانی ها قرار گیرد؟ آیا دوست دارید کسی منار جام شما را مانند مجسمه های بودا در بامیان به توپ ببندد؟ آیا خوش دارید کسی شما را در میان سرک ایستاد نماید و موی های شما را چارترک قیچی بزند؟ آیا خوش دارید کسی ریش شما را با شیشه چراغ لمپه اندازه بگیرد؟ هرگز هرگز! می دانم که چنین چیزهای نمی خواهید و خیلی دوست دارید که کشور تان پیشرفته و مترقی شود و مردم تان در رفاه و آسایش و سربلندی و افتخار زندگی کنند. پس بیایید همه باهم در راه تحکیم پایه های دولت، تأمین نظم عامه و آبادی و بازسازی غور باستان کار نماییم و اجازه ندهیم چارتا آدم فاسد و استفاده جو و فرصت طلب و دشمن صلح و آرامش، از درون و بیرون حکومت مردمی ما را ضعیف نمایند و غور پر غرور را عقب مانده و فقیر و دستبند باقی بگذارند. شاید حکومت در سالهای اخیر به ما و شما توجه لازم نکرده باشد؛ اما همین صلح و آرامش و همین ثبات و همین زمینه مساعد خود بخود زندگی ما را به طرف ترقی و پیشرفت سوق خواهد داد. ما نسبت به ده سال قبل بسیار تغییر کرده ایم. به طور نمونه ما ده سال پیش ده تن محصل هم نداشتیم؛ اما امروزه حدود 2000 تن از بچه های شما در داخل و خارج کشور مصروف تحصیل هستند. اینها خود شان وقتی که تحصیل را تمام کردند وطن خویش را آباد خواهند کرد. آینده از آن ماست به شرطی که ما بتوانیم خوب و بد خود را تشخیص بدهیم و تحت تأثیر تبلیغات چارتا آدم پاکستانی و عقده ای قرار نگیریم و کمک کنیم تا نظام مردمی ما محکم تر شود و اصلاح گردد.

گزارش از: هدایت الله احمدی مسوول کمیته فرهنگی،  
هنری و ادبی لیسه سلطان علاوالدین غوری

# معرفت با یک تن از

## شاگردان ممتاز معارف



سودابه سدید ، دخترِ درس خوانی که فقط هفده بهار از عمر خویش را پشت سر گذاشته است. او، اول نمره صنف دوازدهم لیسه سلطان رضیه است و از صنف هشتم تا حال این مقام را برای خویش حفظ کرده است. وقتی از همصنفانش می پرسیم با چه کسی بیشتر صمیمی هستند ، تعداد کثیری نام سودابه را می گیرند

و از اخلاق و رفتار نیک و پسندیده او قدر دانی می کنند. سودابه از اینکه حالا دختران هم، مانند پسران می توانند درس بخوانند و در آبادی وطن خویش سهم بگیرند و زندگی مرفه و آینده درخشانی برای خویش جستجو نمایند بسیار خوشحال است. او به شدت درس می خواند تا بتواند در امتحان کانکور به رشته دلخواه خویش کامیاب شود. او طبابت را دوست دارد و می خواهد در آینده به صفت یک طبیب به هموطنان خویش به ویژه طبقه انان خدمت نماید. وقتی از او پرسیدیم آیا اطمینان داری که به رشته مورد علاقه خویش در امتحان کامیاب می شوی؟ وی پاسخ داد : « من همیشه این جمله ادیسون را سرمشق زندگی خود قرار داده ام که موفقیت یک فیصد الهام است ونود و نه فیصد تلاش. بنابراین با توجه به تلاشها و زحمت های که می کشم امید وارم که موفق شوم. » سودابه بدش نمی آید که برای کسب موفقیت با دیگران به رقابت بپردازد و امتیازات بیشتر به دست بیاورد. وی می گوید: « همین که ما در یک امتحان بزرگ که ده ها هزار نفر از سرتاسر کشور در آن اشتراک دارند، شرکت می کنیم خودش یک رقابت کلان است و به نظر من تمام زندگی عرصه رقابت است و همه ما انسانها در جهت به دست آوردن موفقیت های گوناگون پیوسته در تلاش و کوشش هستیم. » سودابه در پاسخ به این سوال ما که آیا شما خود را از دیگر شاگردان ممتاز تر می بینید؟ با لبخند می گوید که : « خیر ، به هیچوجه! من فکرمی کنم که آدم ممتازی باشم ؛ ولی همیشه تلاش می کنم که یک شاگرد درس خوان و زحمتکش باشم و اوقات خود را بیجا ضایع نکنم. به نظر من مثلا: اگر کسی در روزهای امتحان بجای کتاب به تلفون خود بچسبد ، فکرمی کنم نتیجه مطلوبی به دست بیاورد. من در دو / سه کانکور آزمایشی که در چغچران (فیروزکوه) برگزار شد ، در میان دختران نمره عالی گرفتم، اگر این یک امتیاز حساب شود به خاطر زحمت های است که در این باره متحمل شده ام. » اینجا سودابه یک گپ مهم تر را مطرح می کند و می گوید: « می خواهم همینجا از تشویق ها و مهربانی ها و محبت های بی دریغ پدر و مادرم سپاسگزاری و تشکر کنم که همیشه مرا در راه کسب علم و دانش رهنمایی و تشویق کرده اند، خداوند بزرگ آنها را سرفراز و خوشحال داشته باشد. » علاوه بر اینکه سودابه دوست دارد در آینده به عنوان یک طبیب کار نماید ، علاقه ای بسیاری به هنر و ادبیات و مخصوصا به فن نویسندگی نیز از خود نشان می دهد و آرزو می کند که بتواند کتابهای مفیدی برای نسل های فردا از خود به یادگار بگذارد. از او می پرسیم توصیه ات به دیگر دختران چه است؟ او می گوید: « امیدوارم دختران درس بخوانند ، کوشش نمایند ، زحمت بکشند و به آینده های بزرگ فکر نمایند. » زمانی که از مکتب بیرون می آیم ساعت سه و نیم بعد از ظهر را نشان می دهد. دیوارهای سنگی مکتب در این سایه روشن نماز دیگر با تابلوی بزرگی از منار جام ، منظره زیبا و با شکوهی را تشکیل داده است. سودابه با ما خدا حافظی می کند و دوباره به طرف صنف خود می رود. ما نیز به سوی دروازه سبز رنگ ورودی حیاط مکتب به راه می افتیم، سلطان رضیه اما خیلی خوشحال به نظر می رسد.

گزارش از: رویاء

# کرامت انسان در شناخت مسوولیت نهفته است

محمد ابراهیم خلیلی مدیر نظارت تعلیمی معارف

اگر انسان به آغاز خلقت خود بنگرد که از چه چیزی به وجود آمده و به چه شرف و کمالی نایل آمده است. اگر انسان در رابطه به خود غور نماید می داند که این وجود ضعیف و نحیف انسان مسوولیت های عمده و قوی ای را به دنبال دارد. منجمله می توان گفت سپردن امانت به اهل آن که به دوش گرفتن چنین بار سنگین مکافات و مجازات دنیوی و اخروی را در پی دارد که در ذات خود مسوولیت و امر مهم محسوب می گردد. اگر انسان مسلمان بتواند که امانت را مطابق قاعده و اصول اجراء کند مکافات دنیوی و اخروی را نصیب می شود؛ اما اگر ماجرا بالعکس شد مجازات برای آن تعیین می گردد. اگر انسان در وجود امانت خویش بیندیشد هرگز در وظیفه خود خیانت روا نمی دارد. هرگاه انسان خود را بشناسد ، مسوولیت خود را اداء کرده آن وقت است که می پندارد که یک انسان سالم و مسوولیت شناس است ، سپس نتیجه هویدا می گردد که اگر انسان ها شخصا خویشتن را کنترل نمایند ، زمینه اصلاح و رفاه به ارمغان می آید، تا اینکه تأثیرات ویژه ای را در باب ترقی ، تعالی و پیشرفت جامعه در پی می آورد. آشکار است که ملت های گوناگون جهان ، و جوامع اسلامی تا هنوز اگر به طرف صلح و ترقی و تعالی و رفاه قدم می گذارند از برکت علم و هنر و استقرار معارف شان است و لذا ریاست معارف ولایت غور باید در سطح غور ، افراد عالم ، سالم، مسلکی و نخبه را جهت بهبود کیفیت و اوضاع معارف استخدام نماید. گرچه مشکلات در سرتاسر کشور در قسمت کمبود معلمین مسلکی وجود دارد؛ اما تعداد معلمینی که تحصیلات رسمی ندارند و نظر به ضرورت در مربوطات معارف ایفای وظیفه می نمایند در زمان حاضر زیاد است که باید در آینده افراد مسلکی جای آنها را پر نماید. همین اکنون به تعداد 3076 تن معلم به 702 باب مکتب برای 216325 تن شاگرد ذکور و انان مصروف آموزش هستند. معلمین ما باید بدانند که معلمی وظیفه مقدس ، پرمسؤولیت و بزرگ است. معلم به مقام مقدسی قرار دارد ، باید کارهایش پاک و مقدس باشد، نشود که از این مسلک پاک ، استفاده سوء صورت گیرد و اولاد این وطن را از علم و ادب بی بهره ساخته به سوی منکرات و مزخرفات سوق دهد. شما را می گویم معلم صاحب! اگر بالفرض شما مدت یک روز به صنف شاگردان حاضر نشوی می دانی که بزرگترین سرمایه معنوی و مادی اطفال را به هدر داده ای؟ پس در داخل گور تنگ چه جواب را به نکیر و منکر ارایه می کنی؟ عاقبت را باید متوجه باشیم. صرف نظر از دیگر اراکین دولتی ، اگر 3076 تن معلم مکاتب بخوانند جامعه را از قهقرا به جلو بکشاند نسبت به عموم افراد جامعه اینها هستند که دست باز دارند. پس بیایید استادان محترم که این سرمایه بزرگ را ازدست ندهیم. به نام مکتب رفتن ، شاگرد دیدن ، روز گذرانی چه فایده دارد. بیایید مسوولیت ایمانی و وجدانی خویش را اداء نماییم و به فکر شاگردانی باشیم که در بین دشت های ریگزار بدون استاد در صنف ها نشسته اند و منتظر معلم هستند.

## نگذاریم اطفال از تعلیم و تربیه محروم شوند

نجیب الله احسان

بیایید از خود شروع کنیم. اگر پدر هستیم یا مادر، اگر برادر هستیم یا خواهر. از همین لحظه تصمیم بگیریم و طفل خویش را شامل مکتب نماییم. اگر والدین طفل معلول هستید ، به توانمندی فرزند معلول خود باور داشته باشید. نگویید دختر است یا پسر، نگویید معلول است یا سالم. خداوند انسان را با تفاوت ها و توانمندی های مختلف و متفاوت خلق کرده است. نباید به بهانه های گوناگون اطفال مان را از حق تعلیم و تربیه محروم سازیم. ما اگر مدیر مکتب هستیم یا معلم ، می توانیم فقط با یک تغییر کوچک در برنامه مکتب ، تحول بزرگی در زندگی طفلی که به تعلیم و تربیه دسترسی پیدا می کند ، ایجاد نماییم. این کار مسوولیت همه ماست. بیایید همه اطفال، مخصوصا اطفال معلول را شامل مکتب سازیم و آینده شان را روشن تر نماییم. این مسوولیت همه ما است و از همه بیشتر مسوولیت ما اهل معارف و دست اند کاران امر تعلیم و تربیه.

## نگاه های قلب

آه ! منظره ها! چه قدر دلکش و دل انگیز است نگاهان را سوی آبخاردوختن ، در زیر درخت ، شنیدن آواز کبوتران و چهچه بلبلان ، اما اگر تو نباشی قلبی که لبریز از احساس تو هست ، چشم های که فقط و فقط می خواهد تو را ببیند، کوشهای که تنها آواز ملکوتی تو را دوست دارد ، اینها همه متحیر و سرگرداند که در غیابت لحظه های را که هر کدام همچون سال اند ، چگونه بگذرانم؟

چاره ای ساز خدایا!!!

نثار احمد رحمانی





پسند معرفت

محمد نصیر نصرت

معرفت با دوستان مقصودِ دل را حاصل است  
 بافرا بودن نیاز کار هر اهل دل است  
 گرهمی فواهی که عزت داشته باشی دایماً  
 احترامِ فلقِ عالم ، رمز کار عاقل است  
 آنچه بر فرد می پسندی ، پند باید داشتن  
 کز پسند دیگران ، اوصاف نیکو کامل است  
 بافسیسان کم نشین و باعریفان دَمِ مزین  
 فوی بد را بد بدان چون فعل باطل باطل است  
 برقرار و صبر پابندی حصول همت است  
 بی قرار و ناتوان و در تزلزل جاهل است  
 وقت و فرصت را غنیمت دان تو در ایام فویش  
 کار فرما بفردا! هان! کاروان در ساحل است  
 در همه احوال نصرت می طلب صلح و ثبات  
 زندگی در جهل و بیگ و بی قراری مشکل است.



## وطن می سازم اینبار

محمد اشرف کریمی استاد مؤسسه خاتم الانبیاء

بیندیشیم به کار خویش ، وطن می سازم اینبار  
 همه باشیم کنار خویش ، وطن می سازم اینبار  
 کنیم وحدت شعار خویش ، وطن می سازم اینبار  
 بسازیم خود نوار خویش ، وطن می سازم اینبار  
 کنیم ما افتخار خویش ، وطن می سازم اینبار  
 بگیریم خود فسار خویش ، وطن می سازم اینبار  
 بخوان پروردگار خویش ، وطن می سازم اینبار  
 بیایم اختیار خویش ، وطن می سازم اینبار  
 کنیم وصله به تار خویش ، وطن می سازم اینبار  
 به سوی کار و بار خویش ، وطن می سازم اینبار  
 شویم ما هوشیار خویش ، وطن می سازم اینبار  
 بگفت اشرف به یار خویش ، وطن می سازم اینبار

چه خوش باشد یکی بودن ، بسازیم این دیار خویش  
 چه خوش باشد رهایی از تعصب های ویرانگر  
 چه خوش باشد نگویم ما ، ز قوم و مذهب و ملت  
 چه خوش باشد نرقصیدن به ساز دیگران ای دوست  
 چه خوش باشد نیستن دل ، به مال و حاصل مردم  
 چه خوش باشد به خود آیم و دست همدیگر بگیریم  
 چه خوش باشد دویدن از پی قرآن و دین خود  
 چه خوش باشد تفکر در تعیین سرنوشت خود  
 چه خوش باشد عنان خویش زدست دیگران بگیریم  
 چه خوش باشد تماشا با دل پاک ، عینک رنگین  
 چه خوش باشد ندادن اختیار خود به بیگانه  
 برادر جان و خواهر جان غوری ام شنو این را

## تصویر دل

فایق

جلوه ها آرد جنون در حلقهٔ تدبیر دل  
 اختلالی افگند در مادهٔ اکسیر دل  
 پردهٔ گوش بتان از سنگ و آهن شد مگر  
 بسکه کم تاثیر آید نالهٔ شبگیر دل  
 بر مزایای فتوت اشک ما بخشد نمو  
 عاشقی رازیست اندر پردهٔ تصویر دل  
 این چمن را زنده اندر کوثر دانش نما  
 مرگ نسل اهرمن می باید از شمشیر دل  
 طفل بستان تکلم قامت آرید ؛ ولی  
 هر سخن موزون سراید در حریم پیر دل  
 می دمد اندیشه ام از شاخهٔ سبز حیات  
 گر بر آید از سر زلفش ، مکن تکفیر دل



موج حسنش جلوه اندر بستر افلاک زد  
 از فراز قله های اختر پامیر دل  
 نور طوفان معانی می درخشد زین پیام  
 آورد بارتجسم جمله در تسخیر دل  
 دیده را فایق ز روی هرزه گی ها باز گیر  
 رستگاری می دمد از مشعل تدویر دل



## هوشپرک

نبی ساقی

هوشپرک گشته دلم ، یک رقتک گشته دلم  
 زخمها دیده دلم ، مثل آلك گشته دلم  
 با وجودی که پر از عشق و پر از گرمی بود  
 منفی پنجا شده و « بند گجک » گشته دلم  
 پاک ، پژمرده شده ، گرد زده ، درد زده  
 عینِ ترکاری پهلوی سرک گشته دلم  
 هفته ها میشه سر سفرهٔ غم بنشسته  
 رفته با دشمن خود نان و نمک گشته دلم  
 باز رسوا شده ، دیوانه شده ، گیج شده  
 سوژه ای نغز برای متلک گشته دلم  
 تا سحر می تپد و می خلد و می سوزد  
 مثل زخمی که کند تازه گزک ، گشته دلم  
 ماه مصنوعی من صد کسه گپ داده ولی  
 عاشق بی خبر یک صد و یک گشته دلم

89 / 3 / 31

فیروز کوه

## مریم

حبیب سرود

دلش میل جدایی داره مریم  
 به اینبا چی صدایی داره مریم؟  
 عیب پانس طلایی داره مریم  
 سفر های هوایی داره مریم  
 کجا دور آشنایی داره مریم؟  
 رفیق های کبابی داره مریم!  
 به یاری نارسایی داره مریم  
 کجا مهر و وفايي داره مریم  
 به پشمش چی بلایی داره مریم؟  
 به دل سازی جدایی داره مریم  
 ولی بازم بفایی داره مریم  
 نگاهی شوربایی داره مریم

تلیفون پینایی داره مریم  
 نمی تاند قلوری بر دگر یا  
 مؤنث گفته مردا ره فروفته  
 فلا نکوچ و تونس را ننگ داند  
 رفیق و آشنا را کی شناسد؟  
 برید از ما و گشته شهر دیره!  
 بین از کی که رفته بر نگشته  
 نه زنگی زد نه مسکال و پیامی  
 پسر ها را نگاهش شیفته کرده  
 بزن سازی محبت را فدایم  
 کمی از اولاً فو فرق کرده  
 خدا فیرش دهد گله که به سویم



## سالروز خاموشی استاد مدهوش



روز شنبه 1389/8/9 سالروز وفات استاد گل احمد مدهوش مدیر و معلم سابقه دارلیسه (دبیرستان) سلطان علاوالدین غوری به ابتکار بنیاد فرهنگی توسعه ملی و جمعی از دوستان و ی در حیاط این مکتب برگزار گردید. در این محفل نماینده ولایت، اعضای شورای ولایتی، مسولین معارف، معلمین، همکاران، دوستان، اعضای خانواده و عده کثیری از شاگردان استاد مدهوش اشتراک داشتند. سخنرانان پیرامون شخصیت و جایگاه استاد به عنوان یک معلم سخنان سود مند و پرعاطفه ای بیان کردند و یاد آن بزرگوار را گرامی داشتند. همین طور تعداد زیادی از شاگردان ایشان به زبان شعر احساسات خویش را در باب استاد تبارز دادند. قابل ذکر است که در اخیر محفل سنگ تهاداب آرامگاه استاد مدهوش که به کمک دوستان ایشان اعمار می شود نیز گذاشته شد و با اتحاف دعا به روح بزرگ استاد این محفل خاتمه یافت.

## یک عضو تازه در خانواده نهاد های مدنی غور

در دنیای امروز موجودیت جامعه مدنی، احزاب، رسانه ها و دیگر نهادهای مدنی از بازوهای مهم یک نظام دموکراتیک و مردمی به حساب می آید. هر چند نهاد های مدنی بیشتر از زاویه انتقادی وارد میدان می شوند و کارکرد های دولت را در مواقع بسیاری به چالش می گیرند؛ اما رویهمرفته موجودیت آنها برای قوام و دوام نظام ضروری و لازمی پنداشته می شود و باعث صلاح و فلاح جامعه می گردد. در ولایت غور هم با میان آمدن جمهوری اسلامی افغانستان، تعدادی از جوانان و فرهنگیان سازمان ها و نهادهای را اساس گذاشتند که به مراحل در قد و قامت خود شان فعالیت های ملموسی در عرصه های مختلف از سوی آنها انجام گرفته است. در این اواخر خوشبختانه یک نهاد مدنی دیگر به نام « سازمان فرهنگی و اجتماعی بصیرت » در فیروزکوه مرکز ولایت غور پا به میدان گذاشته است که تا حال دو محفل فرهنگی از برکت این نهاد در چغچران دایر گردیده است. توقع می رود سازمان فرهنگی بصیرت بتواند در کنار دیگر نهاد های مدنی مصدر خدمات ملموسی برای جامعه مدنی و فرهنگی غور گردد.

### فراخوان ماهنامه معارف

فرهنگیان، قلم به دستان، جوانان، دانشجویان و دانش آموزان غور! ماهنامه معارف غور که همین اکنون شماره دوم آن در دستان زیبای شما قرار دارد مشتاقانه چشم در راه نظریات، پیشنهادات، انتقادات و همین طور منتظر رسیدن مقاله ها، اشعار، داستان های کوتاه و سایر نوشته های شما عزیزان می باشد. امید داریم در شماره های بعدی شاهد سهمگیری بیشتر شما جوانان باشیم و از برکت شما کار ماهنامه را رونق بیشتری ببخشیم.

### هموطنان عزیز!

کشور ما در شرایط کنونی که زمینه انکشاف و رشد علم و دانش در آن میسر گردیده ه بیشتر از هر زمان دیگر به صلح و آرامش و بازسازی ضرورت دارد، بیاید همه دست در دست هم بدهیم و وطن محروم خویش را آباد نماییم. غیر از خود ما دل هیچ کس به حال این مرز و بوم نخواهد سوخت. زنده باد صلح و امنیت!

## توزیع کتب درسی جدید به مکاتب غور

در ماه جاری حدود 7634 کارتن کتاب درسی جدید که از صنف هفتم تا صنف دوازدهم را در برمی گیرد از جانب وزارت معارف به ولایت غور مواصلت نموده است. این کتاب ها که الی تاریخ 30 / 7 / سال روان به چغچران ( فیروزکوه ) رسیده بودند، تا چهاردهم ماه عقرب طبق سهمیه بندی به تمام مکاتب مرکز و ولسوالی ها تقسیم و فرستاده شده اند. قابل یاد آوری است که شاگردان مکاتب غور، در سالهای اخیر از ناحیه کمبود کتب درسی مشکلاتی فراوانی داشته اند که حالا با توزیع این کتاب ها که با کیفیت عالی به چاپ رسیده اند، ریاست معارف غور امید وار است که مشکل نبود کتب تا حدود زیادی مرفوع گردد. این در حالی است که نبود تعمیر، کمبود معلم مسلکی، پایین بودن معاش و حقوق معلمین همچنان از چالش های بزرگ عرصه آموزش و پرورش به حساب می آید.



**صاحب امتیاز:** ریاست معارف غور

**مدیر مسئول:** نبی ساقی

**سر دبیر:** نجیب الله احسان

**گزارشگر:** رویاء

**برگ آرای:** خان محمد سیلاب

**عکس:** احمد غفوری

**تیراژ:** 2000 شماره

**قاپ:** حکمت الله

**آدرس الکترونیکی:** n.saqee@gmail.com

**گروه نویسندگان:** الحاج غلام سخی حبیبی، محمد نصیر

نصرت، غلام محمد نقشبندی، محمد ابراهم خلیلی و میرزا

گل اکرمی.

**آدرس دفتر:** ریاست معارف غور - مدیریت نشرات.

**تلفون:** 0799301212

0797075195